

از ماده تا تصویر



کامران افشار نادری

نیز می‌بینیم که سازه، تکنولوژی و مصالح به وجود آورنده ساختمان زیر غشایی تزئینی مخفی شده‌اند. در اینجا نیز رنگ و نقش به دراماتیک‌ترین و تجریدی‌ترین صورت ممکن فضای معماری را تعریف کرده‌اند. این فضای تجریدی که از پیروزی کامل رنگ‌ها و فرم‌های انتزاعی بر مصالح و رنگ‌های موجود در طبیعت اطراف حاصل شده است حس خاصی را القا می‌کند. صحن مسجد امام در اصفهان به جعبه‌ای جادویی می‌ماند که تنها با آسمان ارتباط برقرار می‌کند. فرم گنبد و رنگ‌های آن سمبول و تقلیدی از آسمان و ساختار هندسی آن در تصور قدیم هستند.

آینه‌کاری خانه‌های دوره قاجار و طاق‌های حرم‌ها، تلاشی دیگر در جهت مخفی کردن حضور مصالحی ساده نظیر خاک و گچ در ساختمان ابنیه است.

در معماری معاصر نیز جدال بین فرم و مصالح به گونه‌ای دیگر همواره وجود داشته است. معماری کلاسیک و نئوکلاسیک نفی مصالح به عنوان «عامل بیانی» بود زیرا مصالح، فرمی را می‌ساختند که موجودیتش مستقل از سنگ و آجر و سفال بود. با معماری مدرن دو گرایش متفاوت نسبت به رابطه شکل و مصالح به وجود آمدند. اولین گرایش که مصداق آن را می‌توان به خوبی در ساختمان ویلا ساوا اثر لوکوربوزیه مشاهده کرد، نوعی فرمالیسم مشاهده می‌شود که مصالح را به کار می‌گیرد تا نوعی زیبایی‌شناسی مجرد و مجسم‌گونه به وجود آورد: حجمی سفید که می‌تواند با هر نوع مصالحی ساخته شود و ساختمان به مثابه ماکتی است که در مقیاس ۱:۱ ساخته شده است. همین گرایش در اغلب کارهای پیتراآیزنمن مشهود است. حالت ماکت بزرگ شده مانع شده است که معماری در شکل‌گیری مادی‌اش به کشف ارزش‌های جدید زیبایی‌شناختی دست بیاید. گرایش دوم در جهت کشف ارزش‌هایی است که با استفاده از مصالح و جنسیت‌های مختلف و با به نمایش گذاشتن خصوصیات عناصر سازه‌ای و ساختمانی به دست می‌آیند. معمارانی چون لوکوربوزیه (در پاره‌ای از ساختمان‌ها)،

شکل در معماری توسط مصالح و تکنولوژی بیان می‌شود و بین شکل و موادی که به شکل، کالبد مادی می‌بخشند، همواره نوعی تنش وجود داشته است. در معماری بومی ایرانی تکنولوژی و مصالح تأثیر عمده‌ای بر فرم به جای گذاشته‌اند. در کندوان، خانه‌هایی که درون صخره‌ها ایجاد شده‌اند، نشانگر سازگاری یا تسلیم انسان در مقابل طبیعت مصالح به وجود آورنده ساختمان هستند و فرم معماری تغییری جزئی است که دست انسان بر مصالح طبیعی وارد کرده است. کلبه‌های چوبی گیلان یا کلبه‌های گلی حاشیه کویر نیز از دور، گویی جزئی از طبیعت اطراف هستند.

در ایران، معماری رسمی مسیر متفاوتی را طی کرده است و به سوی بحث‌شعاع قراردادن ویژگی‌های مصالح به کار رفته، تا حد انکار کامل آن‌ها پیش رفته است. گچ‌بری‌های زیبای مساجد گاه با آنچنان ظرافتی ایجاد شده‌اند که بیشتر به کار جواهرسازی می‌مانند. محدودیت‌های مادی مصالحی شکننده چون گچ و خاک با مهارتی اعجاب‌آور به بازی گرفته شده‌اند و شکل، قانونمندی‌های خود را، بدون توجه به ویژگی مصالح به وجود آورنده‌اش، به نمایش گذاشته است. محراب اولجایتو مسجد جمعه اصفهان نفی کامل ماده است. در مساجد دوره صفوی

کنزوتانگه و لوئی کان نمایش بتن پرداخت نشده و جنسیت‌دار را تجربه کردند. معماری High-tech، تحت تأثیر تعلیمات نئوبروتالیستی به مصالحی نظیر فولاد و شیشه روی آورد. فولاد برخلاف بتن خمیری نیست که به هر شکل درآید. اتصالات فلزی، کابل‌ها، خرپاها و تیرهای فلزی فرم‌های خاصی را ایجاد می‌کنند. زیبایی‌شناسی این گونه آثار از گفتگوی بین فرم و مصالح حاصل می‌شود.

فرم به علاوه مصالح می‌تواند ترکیب جدیدی را تولید کند که از خواص هر کدام به تنهایی بسیار فراتر است. یک دیوار آجری، سنگی، بتنی یا فلزی حس‌های کاملاً متفاوتی را در انسان برمی‌انگیزند. حس‌هایی که می‌توانند کاملاً متضاد باشند. تصور می‌کنم یکی از دستاوردهای بسیار مهم معماری، یافتن رابطه‌ای متعادل بین بیان فرم و بیان مصالح و تکنولوژی است. اگرچه هنوز معمارانی سرشناس وجود دارند که سعی دارند به فرم ساخته شده حالتی تجربیدی و بی‌جنسیت بدهند، عده قابل توجهی از معماران معاصر نیز از بیان تکنولوژی و مصالح در جهت غنی‌کردن و تأکید بر ایده‌های شکلی کلی از طریق پرداختن به جزئیات استفاده می‌کنند.

سعی معماری مدرن در تطبیق زیبایی‌شناسی با ویژگی‌های مصالح (و نه برعکس) که در آثاری نظیر برج ایفل، فرودگاه T.W.A اثر سارنین و فرودگاه کشای اثر رنتزو پیانو و... به چشم می‌خورد یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های معماری عصر ما را تشکیل می‌دهند.

این شمایل در گذشته تنها در معماری‌های بومی به چشم می‌خورد و علت آن عمدتاً وجود محدودیت‌های اقتصادی بود. در بسیاری از معماری‌های رسمی جهان‌گرایش عمده عموماً به بازی گرفتن محدودیت‌های مادی مصالح و تکنولوژی در جهت دستیابی به غیرممکن و خارق‌العاده بوده است و این محصول نوعی نیاز به اثبات برتری ذهن بر ماده است که در ابنیه ویژه بروز می‌یابد.

در دوره معاصر شخصیت‌های مهمی نظیر فرانک لویدرایت و آلوار آلتو، نه به دلیل محدودیت اقتصادی یا تکنولوژیک، بلکه به صورتی،

کاملاً آگاهانه، فرم معماری را با توجه به استعدادهای طبیعی مصالح ابداع نمودند و ویژگی‌ها، ساختار، جنسیت، بافت و رنگ مصالح به کار گرفته را به نمایش گذاشتند. اگرچه توجه به طبیعت مواد یکی از ویژگی‌های مهم بخشی از مدرنیسم بشر بوده است، خصوصاً در دهه اخیر با گرایش‌هایی روبه‌رو هستیم که به بهانه‌هایی مختلف معماری را کالبدزدایی می‌کنند.

امروزه تکنولوژی در جهت نفی خود به پیش می‌رود. به نظر «لهریکوله» غایت مهندسی ایجاد دهانه‌ای به عرض بی‌نهایت با مصالحی به اندازه صفر است. یعنی نهایت تکامل تکنولوژی و مصالح محو کامل آن است: ایجاد هر گونه فرم جسورانه بدون محدودیت‌های مادی و دستیابی به بیان دراماتیک تابلوهای نقاشی آبستره‌نما نیز به زودی از بین خواهد رفت. اخیراً تصاویر پروژکتورهای قوی و دیوارهای ویدئویی که مرتباً تصاویر جدیدی را تولید می‌کنند رفته رفته جایگزین نمای سنتی می‌شوند. پروژه ترمینال دریایی Whitehall اثر ونتوری و اسکات براون مصداق بارز این گونه معماری است. پنجره‌های متعارف به زودی جای خود را به پانل‌های LCD خواهند داد که بدون نیاز به پرده، فقط با تنظیم جریان الکتریکی، به قدر لازم تاریک و روشن می‌شوند. به هر حال از جهان فرم‌های ثابت به سوی جهان فرم‌های متغیر می‌رویم، جهانی که در آن بیان مصالح از واژه‌نامه معماری حذف شده است. همراه با این مسأله اتفاق بسیار مهم دیگری نیز می‌افتد که جای تأمل دارد. اگر تاکنون بحث پیروزی فرم بر مصالح مطرح بود، پس از این مسأله پیروزی تصویر بر فرم خواهد بود. نوعی تجرید مضاعف که رابطه واقعی و ملموس ما را با محیط به شدت خدشه‌دار خواهد ساخت.

معماری امروز که از مدتی قبل به جهت به کارگیری مصالح بی‌دوام و پیروی از سبک‌های گذرا نوعی حالت موقتی بودن مادی و معنوی را برای خود ایجاد کرده بود، اکنون به کاریکاتور خود تبدیل می‌شود: «معماری‌ای که از ارج نهادن بر موقتی بودن به وجود می‌آید». معماری

مسویرها - که مصداق عینی تجربیات مربوط به واقعیت مجازی است. طبیعی است که برقراری هر نوع حس عاطفی با چنین معماری کاملاً غیرممکن است. معماری امروز گاه سعی کرده است ناتوانی خود را در پدیدآوردن فرم‌های با ارزش و ماندگار از طریق کمی مخفی کند. اگر بی‌محتوایی شکلی برج‌های شیشه‌ای دهه هفتاد با اغراق در ارتفاع بنا و القا حس شگفتی جبران می‌گردید، امروز بی‌محتوایی شکلی از طریق مصرف اغراق‌آمیز تصاویر جبران می‌شود. تصاویر ویدئویی، فیلم، اسلاید و...

در موسیقی نیز مسأله مشابهی به وقوع پیوست. زمانی وسایل الکترونیکی نظیر ارگ برقی و سیتتی سائزر جنسیت را از ملودی می‌گرفتند و امروز با دستگاه‌های پیشرفته‌تر صوتی تولید می‌شوند که به سر و صدا می‌مانند. این‌ها رفته رفته جایگزین ملودی می‌شوند یا با

ملودی فقر آن را پنهان می‌کنند. در هر حال شاید این تفکری قدیمی باشد ولی هنوز افراد زیادی هستند که از صدای نی بیش از هر چیز دیگر لذت می‌برند. در حقیقت کارایی که نگرانی عمده قرن بیستم بود در مورد یک ساز الکترونیکی به مراتب بیشتر از نی است ولی ویژگی سازی چون نی، نوایی است که به زحمت از لای بافت‌ها و گره‌های ساخت خیزران بیرون می‌آید و به همراه خود جنسیت، محدودیت، سادگی و تاریخ چند هزار ساله‌ای را به همراه دارد، این ویژگی‌ها به نوای نی اصالتی را می‌بخشند که با هیچ گونه شبیه‌سازی الکترونیکی قابل مقایسه نیست. از آنجا که چند هزار سال تمدن بشری نتوانسته است طبیعت و فیزیک جسم انسان را تغییر دهد، معماری نیز قادر نخواهد بود ارزش مصالح طبیعی را با چیزهای مصنوعی و مجازی جبران کند و فرم نیز بهتر است خود را با چوب، سنگ، آجر و... تطبیق دهد.

لوکور بوزیه، ویلا ساوا.

